

به نظر من آن چه برای مجموعه دانشجوی کشور با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های دانشجویی مهم است و باید هم مهم باشد، این است که در یک نگاه کلی، کشور ما ایران در کجای تاریخ و کجای جغرافیا قرار گرفته. می‌خواهیم فرض را بر این بگذاریم که دانشجو در اعماق دل خود و در بلندپروازی‌های ذهن جوانانه خود، از مسائل شخصی و شغل و امثال این‌ها عبور کرده. نه این‌که شغل و زندگی و ازدواج و مسکن را نمی‌خواهد - این‌ها که ضروریات زندگی است - بلکه به این معنا که در این ایستگاه‌های موقت و کوچک، منحصر و متوقف نماند؛ ذهن جوان دانشجو از این‌جاها پرواز می‌کند و آرمان‌ها را جست‌وجو می‌کند در نگاه آرمانی - باید باشد و اگر نباشد، جوانی و زندگی نیست - جایگاه ما از لحاظ دید تاریخی و جغرافیایی و جغرافیای سیاسی کجاست؟ ما به عنوان ایران جمهوری اسلامی، حرفمان در دنیا چیست؟ دوم این‌که اگر بخواهیم این سخن به کرسی بنشیند، باید چه کار کنیم؟ این، حرف اصلی ما با دانشجویهاست و به نظر من فکر اصلی است که جماعت دانشجو باید آن را دنبال کند.

اما جواب سؤال اول که جای ما کجاست، در یک جمله کوتاه جای ما به چالش کشیدن زشتی‌ها و سختی‌ها و دردمندی‌هایی است که از سلطه زر و زور و حاکمیت فساد مالی و قدرت، در دنیا و در سطح بین‌المللی به وجود آمده؛ این را دست کم نگیرید. پول و قدرت پولی امروز توانسته ظریف‌ترین، لطیف‌ترین و شیواری‌ترین حقایق عالم ماده را هم در خدمت بگیرد...

... بحرانی‌ترین، جنگ‌آفرینی و ایجاد نظام‌های خشن و قسی‌القلب - مثل اسرائیل - کار اینهاست. باید این‌ها را به چالش کشید کی می‌تواند؟ یک هویت جمعی بین‌المللی زنده خسته‌نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی‌گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته‌شدن است، جز ایمان با طراوت دینی. این می‌تواند آن قدرت‌ها را به چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آن‌ها را از بین ببرد.

ان‌شاءالله در حکومت عدل مهدوی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف این کارها انجام می‌گیرد؛ منتها ما هم می‌توانیم مقدماتش را انجام دهیم؛ اگر همت و اراده و ایستادگی و تدبیر داشته باشیم. این کارها، هم ایستادگی و شجاعت و قدرت می‌خواهد هم تدبیر و عقل می‌خواهد. این‌ها کارهایی که دم‌دستی باشد و بشود همین‌طوری تماش کرد، نیست؛ اما شدنی است و تا الان هم شده است.

نظام جمهوری اسلامی که امروز برایش مسأله هسته‌ای حل شده است - و البته این فقط یک مثال است؛ بارها من این را گفتم - همان نظامی است که روز اولی که به وجود آمد، مستکبران عالم نه تصور می‌کردند و نه اگر تصور می‌کردند، یک موی تشنه راضی بود که این کشور بتواند در زمینه‌های علمی پیشرفت کند... در اوایل انقلاب ما در دانشگاه‌ها مشکل استاد داشتیم، مشکل پزشک داشتیم، مشکل متخصص داشتیم؛ اما امروز کشور از لحاظ علمی پیشرفته است. البته ما نباید همت خود را کم کنیم. مقداری که پیش آمده، نسبت به آن چه باید پیش می‌آمد، و نسبت به توانایی ما خیلی کم است.

سؤال دوم؛ چگونه می‌توانیم در این چالش موفق شویم؟ این چیزی است که به شما جوان‌ها خیلی ارتباط پیدا می‌کند. قدرت‌هایی که در بخش‌های مختلف باید به وجود بیاوریم، در درجه اول قدرت علمی است...

اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا دریاورد، کار شدنی است؛ چون علم، ثروت هم ایجاد می‌کند، قدرت نظامی هم ایجاد می‌کند، اعتماد به نفس هم ایجاد می‌کند. من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم و باز هم تأکید خواهیم کرد که پایه و زیربنای اقتدار آینده شما ملت عزیز در قدرت علمی است.

در نهایت

• سلسله مباحث علامه مصباح یزدی

راه ترویج ارزش‌ها

ترویج ارزش‌ها در هر جامعه یا مقابله با هجوم ارزش‌ها به دو صورت کلی انجام می‌گیرد:

۱. راه بحث، گفت‌وگو، منطق و استدلال
اولین راه ترویج ارزش‌های اسلامی این است که درباره هر یک از این ارزش‌ها به شیوه منطقی و استدلالی بحث کنیم؛ یعنی فواید احیای هر ارزش و ضررهای به‌کارگیری روش‌های مخالف آن را در جامعه بیان کنیم و با جمع‌بندی منطقی نتیجه بگیریم که باید فلان ارزش احیا یا با فلان شیوه غلط مبارزه گردد.

این شیوه بسیار معقول و صحیح است ولی شیوه انحصاری نیست؛ یعنی چنین نیست که راه ترویج یک ارزش فقط بحث و استدلال باشد، آن چه در ترویج هر ارزشی در جامعه از همه مؤثرتر است تبلیغات عملی است که به صورت‌های گوناگون و با استفاده از اصول و قواعد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، عملاً ارزشی را در جامعه احیا می‌کنند؛ بدون این‌که بحث و استدلالی درباره آن‌ها انجام گیرد.

۲. تحریک احساسات و عواطف

آن چه امروز دستگاه‌های تبلیغاتی غرب برای مبارزه با ارزش‌های اسلامی از آن استفاده می‌کنند بحث و استدلال نیست؛ آنان ضعیف‌تر و عاجزتر از آن هستند که بتوانند با منطق و استدلال، ارزش‌های اسلامی را تضعیف یا ارزش‌های منحط خود را ترویج کنند؛ بلکه آنان با شیوه‌های تبلیغاتی متمرکز برای ارائه عملی الگوها اهداف خود را تحقق می‌بخشند؛ یعنی آن چه را مربوط به نوشتار است،

اعم از روزنامه‌ها، کتاب‌ها، نمایشنامه‌ها و امثال آن، به صورتی منظم و مسلم به خواننده تلقین می‌کنند و خواننده نیز، بدون این‌که خود متوجه شود، بی‌درنگ آن‌را می‌پذیرد؛ مثلاً یک رمان را به شکلی می‌نویسند که وقتی کسی آن را بخواند نسبت به آن موضوع علاقه‌مند یا نسبت به مطلبی دیگر بی‌علاقه و متنفر می‌گردد. هیچ استدلالی نیز در کار نیست؛ بلکه با استفاده از تخیلات، عواطف و احساسات، داستان به شکلی مطرح می‌شود که احساسات خواننده بر ضد موضوعی تحریک شود.

در این شیوه تبلیغاتی از قوه خیال و تحریک احساسات و عواطف مردم استفاده می‌شود.

این شیوه در فیلم‌ها بیش‌تر به کار گرفته می‌شود؛ چهره قهرمان فیلم را به شکلی انتخاب می‌کنند که بیننده را به خود جلب می‌کند و به او علاقه‌مند می‌شود. تا این‌که خواه ناخواه، نسبت به صفات ظاهری و باطنی او گرایش پیدا کند.

اگر از کسانی که شیوه رفتار و نوع لباس بازیگران سینما را تقلید می‌کنند، بپرسید: چرا این لباس را می‌پوشید؟ آیا راحت‌تر است؟ می‌گویند: خیر. آیا زیباتر است؟ می‌گویند: خیر. آیا با سلیقه و ذوق خود آن‌را انتخاب کرده‌اید؟ می‌گویند: خیر. پس چرا آن را می‌پوشید؟ می‌گویند: برای آن‌که فلان ستاره سینما در فلان فیلم شبیه این لباس را پوشیده بود.

در موارد دیگر نیز همین‌گونه است بدون این‌که هیچ منطقی در کار باشد یا وجهی برای انتخاب وجود داشته باشد از رفتار او تقلید می‌کند. این کارها بر یک سلسله اصول روان‌شناسی مبتنی است. کسانی که این شیوه‌ها را خوب آموخته‌اند برای این‌که اهداف خود را در جوامع دیگر تحقق بخشند از این روش‌ها استفاده می‌کنند، و به همین دلیل است که شناخت و مقابله با راه‌های نفوذ فرهنگ منحط غربی ضرورت می‌یابد.